



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



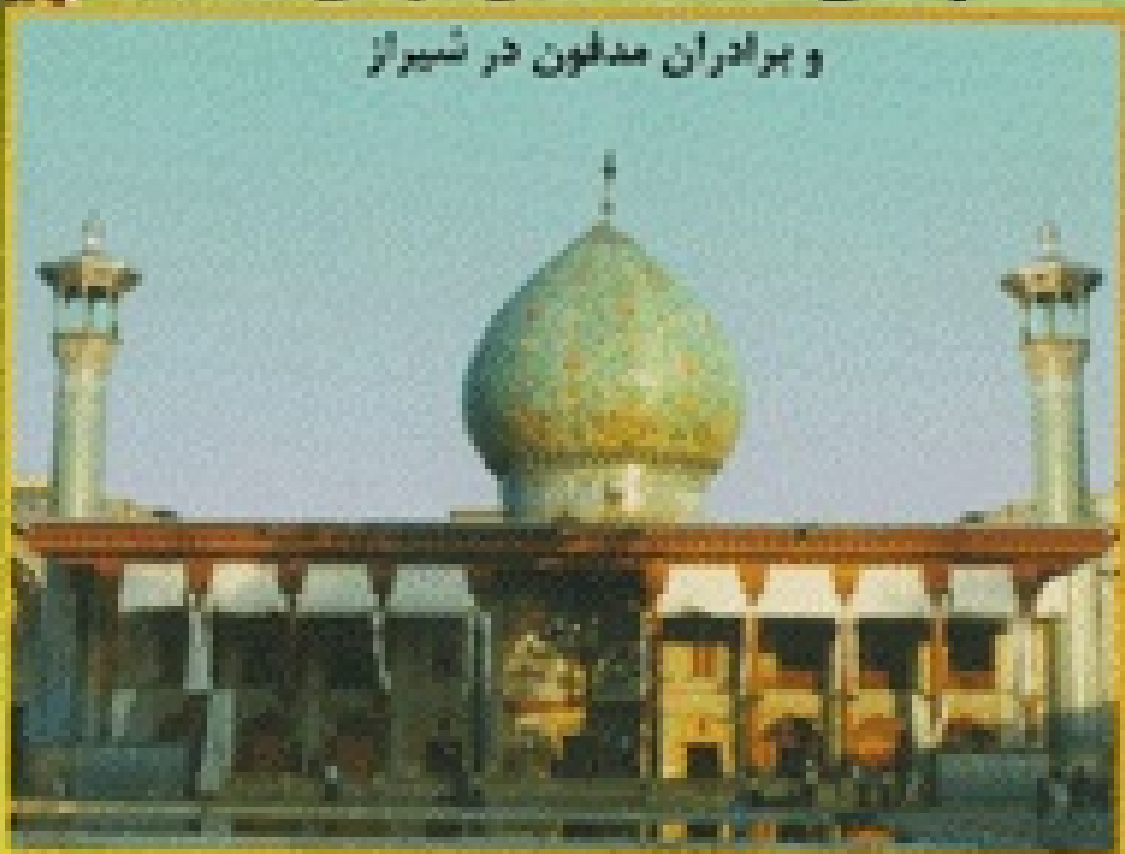
عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# آفتاب شیراز

زندگی نامه احمد بن موسی (عج) (ع)

و برادران مدفون در شیراز



ویرایش و تصحیح

دکتر سید علی حسینی و دکتر سید محمد تقی حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آفتاب شیراز: زندگینامه احمد بن موسی (علیهما السلام) و برادران مدفون در شیراز

نویسنده:

محمد جواد مهری

ناشر چاپی:

مشرقین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	آفتاب شیراز : زندگینامه احمد بن موسی (علیهما السلام) و برادران مدفون در شیراز
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	آغاز سخن
۱۷	آداب زیارت
۱۹	زندگی نامه احمد بن موسی (علیهما السلام)
۱۹	۱. حسب و نسب
۲۰	۲. احمد بن موسی (علیهما السلام) از منظر دیگران
۲۵	۳. احمد بن موسی (علیهما السلام) و بیعت مردم با وی
۲۸	۴. پیام احمد بن موسی (علیهما السلام)
۳۲	۵. پیدا شدن جسد احمد بن موسی (علیهما السلام)
۳۴	داستان اول:
۴۸	داستان دوم:
۵۳	۶. تاریخ بنای حرم احمد بن موسی (علیهما السلام)
۵۸	۷. تولیت آستان مقدس احمد بن موسی (علیهما السلام)
۶۰	۸. فرزندان احمد بن موسی (علیهما السلام)
۶۳	زندگی نامه سید امیر محمد عابد (علیه السلام)
۶۵	زندگی نامه سید علاءالدین حسین (علیه السلام)
۶۹	کیفیت زیارت احمد بن موسی (علیهما السلام)
۶۹	اشاره
۶۹	زیارت اول
۷۱	زیارت دوم

٧٥ ..... زیارت مختصر امام رضا (علیه السلام)

٨١ ..... زیارت آل یاسین -

٨٩ ..... زیارت وارث

٩٧ ..... زیارت امین الله

١٠٣ ..... کتابنامه

١٠٩ ..... درباره مرکز

## آفتاب شیراز : زندگینامه احمد بن موسی (علیهما السلام) و برادران مدفون در شیراز

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : آفتاب شیراز : زندگی نامه احمد بن موسی علیهما السلام و برادران مدفون در شیراز/ تالیف محمد جواد مهری

مشخصات نشر : قم - انتشارات مشرقین

مشخصات ظاهری : 102 ص

عنوان عطف : آفتاب شیراز.

موضوع : احمد بن موسی (ع)، - 203ق.

موضوع : آستان حضرت شاهچراغ (ع)

موضوع : زیارتگاههای اسلامی -- ایران -- شیراز

خیر اندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2





آفتاب شیراز

مؤلف... محمد جواد مهري

ناشر: انتشارات مشرقين، 6616126-7

چاپخانه... دانش قم، 72297667-7

نوبت چاپ... اول، پاييز 1382

شمارگان... 3000 نسخه

شابک... 964-5781-67-1

قيمت... 1000 تومان

مرکز پخش:

قم- خيابان خاکفرج کوچه 75، انتشارات آيين دانش

تلفن: 1-6706370 همراه: 09121531495

ص: 4

آداب زیارت ... 11

زندگی نامه احمد بن موسی (علیهما السلام) ... 13

1. حسب و نسب ... 13

2. احمد بن موسی (علیهما السلام) از منظر دیگران ... 14

3. احمد بن موسی (علیهما السلام) و بیعت مردم با وی ... 19

4. قیام احمد بن موسی (علیهما السلام) ... 22

5. پیدا شدن جسد احمد بن موسی (علیهما السلام) ... 26

داستان اول : ... 28

داستان دوم: ... 42

6. تاریخ بنای حرم احمد بن موسی (علیهما السلام) ... 47

7. تولیت آستان مقدس احمد بن موسی (علیهما السلام) ... 52

8. فرزندان احمد بن موسی (علیهما السلام) ... 54

زندگی نامه سید امیر محمد عابد (علیه السلام) ... 57

ص: 5

زندگی نامه سید علاءالدین حسین (علیه السلام) ... 59

کیفیت زیارت احمد بن موسی (علیهما السلام) ... 63

زیارت اول ... 63

زیارت دوم ... 65

زیارت مختصر امام رضا (علیه السلام) ... 69

زیارت آل یاسین ... 75

زیارت وارث ... 83

زیارت امین الله ... 91

کتابنامه ... 97

ص: 6

بسم الله الرحمن الرحيم

در جای جای کشور پهناور جمهوری اسلامی ایران و در اکثر نواحی آن، بارگاه‌ها و بقاع متبرکه بسیاری از امام زادگان عالی مقام، از فرزندان و نوادگان ائمه معصومین (علیهم السلام) دیده می شود، بویژه در نواحی قم، کاشان، تهران، فارس و... که بسیار بر قداست و معنویت آن دیار افزوده اند و شایسته است دوستان و ارادتمندان به خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برای اجر گذاشتن به مزد رسالت آن نبی اعظم و به تبعیت از فرمایش آن بزرگوار، [\(1\)](#) به زیارت قبور پربرکت این اختران فروزان و

ص: 7

---

1- . پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده: ... کسی که امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را زیارت کند مثل این است که امام علی (علیه السلام) را زیارت کرده باشد و کسی که فرزندان امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را زیارت کند مثل این است که امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را زیارت کرده باشد (بحار الانوار، ج 10، ص 18). از این حدیث این طور استنباط می شود که زیارت کلیه فرزندان امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) مستحب است و فرزندان موسی بن جعفر (علیهم السلام) هم، از فرزندان امام حسین (علیهم السلام) به شمار می روند.

انوار پراکنده، رفته و عرض ادب نمایند.

از این رو مرحوم شیخ عباس قمی (رحمه الله علیه) در کتاب مفاتیح الجنان،<sup>(1)</sup> می فرماید: در زیارت امام زادگان عظام و شاهزادگان عالی مقام که قبورشان محلّ فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایت الهیّه است و علمای اعلام تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت قبور ایشان، و بحمدالله تعالی در غالب بلاد شیعه، قبورشان موجود، بلکه در قری و بریّه و اطراف کوه ها و دژها پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلی دل های پژمردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیامت و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده.

ص: 8

---

1- . مفاتیح الجنان، ص 1105.

در پایان سپاسگزار ذات ربوبی هستیم که توفیق نشر این دفتر را که در حقیقت عرض ادبی، به ساحت مقدّس حضرت احمد بن موسی و اخوان معظّم آن بزرگوار (علیهم السلام) می باشد به ما عنایت فرمود، امید است مورد لطف و محبّت و شفاعت آن امام زادگان عالی مقام قرار گرفته باشیم.

محمد جواد مهری - قم المقدسه 9/6/1382

ص: 9





زائران مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه، پیش از آنکه سر بر آستان ملک پاسبان خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) بسایند، شایسته است به نکات زیر توجه نمایند:

1. غسل زیارت.
2. با طهارت و وضو بودن.
3. پوشیدن لباس های پاک و تمیز؛ و بهتر است سفید باشد.
4. عطر زدن و خوشبو کردن خود؛ بجز برای زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) که این عمل مستحب نیست.
5. مشغول بودن به ذکر، به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله» در حال رفتن به زیارت.
6. خواندن اذن دخول و اجازه گرفتن برای ورود به حرم.

7. خواندن زیارت هایی که از معصومین (علیهم السلام) رسیده است.

8. آهسته زیارت خواندن و پرهیز از صدای بلند.

9. خواندن دو رکعت نماز زیارت، پس از زیارت و هدیه آن به صاحب مزار.

10. در قنوت نماز زیارت، حوائج خود و دیگر مؤمنان را از خدا بخواهد که یکی از مظان استجابت دعا می باشد.

11. خواندن دعا و قرآن و هدیه ی ثواب آن به صاحب مزار.

12. توبه از گناهان؛ زیرا آن اماکن محل پذیرش توبه است.

ص: 12

### 1. حسب و نسب

احمد از فرزندان امام کاظم (علیه السلام) است که تاریخ ولادت و وفات او مشخص نیست.

قابل توجه اینکه احمد بن موسی (علیهما السلام) یکی از پنج نفری است که امام کاظم (علیه السلام) او را در اجرای وصیتش با امام رضا (علیه السلام) شریک دانسته اند. (1)

مادر احمد به «أمّ احمد» شهرت داشت، او از زنان فاضله دوران خود بود و امام کاظم (علیه السلام) به وی توجه داشتند و در وصیت نامه خود از او نام می‌برند. (2)

موقعی که امام کاظم (علیه السلام) را به دستور هارون به سوی بغداد می‌بردند، امام (علیه السلام) ودایع امامت را به «أمّ احمد» سپرد و فرمود: هرکس در هر زمانی آمد و این امانت ما

ص: 13

---

1- اصول کافی، ج 2، ص 97.

2- همان.

را از تو خواست، بدان که من در همان وقت به شهادت رسیده ام و آن شخص جانشین من و امام واجب اطاعه برای تو و دیگران است.  
هنگامی که امام رضا (علیه السلام) نزد اُمّ احمد آمد و امانت های پدر را طلب کرد. اُمّ احمد از خواسته آن حضرت دریافت که امام موسی کاظم (علیه السلام) رحلت کرده است. آن گاه وصایا را به امام رضا (علیه السلام) سپرد و با ایشان بیعت نمود. (1)

## 2. احمد بن موسی (علیهما السلام) از منظر دیگران

وی دارای مقام و منزلتی بس عظیم بود و امام کاظم (علیه السلام) توجه و عنایت خاصی به او داشتند.  
قدیمی ترین گزارش از زندگانی وی را شیخ مفید (رحمه الله علیه) در کتاب ارشاد نوشته است، وی می گوید:

ص: 14

---

1- همان، ص 219.

احمد بن موسیٰ مردی کریم و بزرگوار و پارسا بود، و حضرت موسیٰ بن جعفر (علیه السلام) او را دوست می‌داشت و بر دیگر فرزندان خود مقدم می‌شمرد، و مزرعه‌ی خود را که به سیریه معروف بود، به او بخشیده بود.

حسن بن محمد بن یحییٰ از قول جدّش برای من حدیث کرد که؛ شنیدم از اسماعیل فرزند حضرت موسیٰ بن جعفر (علیه السلام) (1) که می‌گفت: پدرم با فرزندان خود از مدینه به سوی یکی از املاک خود بیرون رفت و اسماعیل نام آن ملک را بُرد، ولی یحییٰ گفت: جدّ من حسن بن محمد که راوی حدیث است، نام آن را فراموش کرد، اسماعیل گوید: ما در آنجا اتراق کردیم و

ص: 15

---

1- اسماعیل بن موسیٰ الکاظم (علیه السلام) از جمله علمای عصر خود بود، وی در ماجرای قیام ابوالسرایا، از طرف وی به فرمانروایی خطه فارس منصوب شد و بعد از شکست ابوالسرایا به مصر رفت و در همان جا ساکن شد، وی تالیفات فراوانی دارد که مهمترین آنها جعفریان است. (رک: تحلیلی از زندگانی امام موسیٰ الکاظم، باقر شریف قرشی، ج 2، ص 475).

با احمد بن موسی بیست تن از خدم و حشم پدرم بودند و هرگاه احمد بر می خاست آنان با او برمی خاستند و هرگاه احمد می نشست آنان نیز با او می نشستند، و از آن گذشته، پدرم نیز پیوسته نظرش به او بود، و از وی غفلت نمی کرد، و ما از آن جا بازنگشتیم تا هنگامی که احمد از میان ما کوچ کرد و برفت، آنگاه ما نیز از آنجا برفتیم. (1)

شیخ عباس قمی (رحمه الله علیه) می فرماید: احمد بن موسی (علیهما السلام) معروف به شاهچراغ است که در داخل شهر شیراز مدفون است و در ظاهر نیز از جهت قبه و صحن و ضریح و خدام و غیره، تعظیم و احترام دارد و این احقر در سال 1319 در مراجعت از بیت الله الحرام از شیراز برگشتم و در آن بلده، تربت پاک او را زیارت کردم و از باطن آن بزرگوار استمداد نمودم، و در نزدیکی قبر آنجناب

ص: 16

---

1- ارشاد، ج 2، ص 237.

مزاری دیگر است معروف است به میر سید محمّد برادر آن حضرت.

صاحب روضات الجنّات گفته: در بعض کتب رجالیه است که احمد مدفون به شیراز است و مسمّی است به سیدالسادات، و در این زمان مشهور شده به شاهچراغ، و به تحقیق به تواتر رسیده کرامات باهره از مرقد طاهرش، پس نقل کرده کلمات اشخاصی که تصریح کرده به آنکه احمد بن موسی در شیراز مدفون است. [\(1\)](#)

جزایری می گوید: احمد بن موسی (علیه السلام) کریم بود، امام کاظم (علیه السلام) او را دوست می داشت و محمد بن موسی وارسته و پرهیزگار بود. [\(2\)](#)

ص: 17

- 
- 1- . رک: منتهی الآمال، ج 2، ص 232؛ روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات، ج 1، ص 42.
  - 2- انوار نعمانیه، ج 1، ص 380.

مقدسی اردبیلی (رحمه الله عليه) می فرماید: احمد بن موسی بزرگواری جلیل القدر بود که در نزد پدرش بر همه فرزندان مقدم بود و پدر بزرگوارش او را در وصیت ظاهری به عنوان وصی پس از خود تعیین کرده ولیکن در نسخه وصیت مختومه که خاص امامت من عندالله است از وی نامی نبرده است، در ذیل ترجمه محمد شهرستانی برخی از شیعیان پس از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) او را امام می دانند و به امامت حضرت رضا (علیه السلام) معتقد نیستند.

همچنین می فرماید: محدث نیشابوری مرقد احمد بن موسی (علیهما السلام) را در شیراز تأیید کرده و احمد، محمد و حمزه را از یک مادر می دانند. (1)

ص: 18

---

1- . منتهی الآمال، ج 2، ص 232؛ روضات الجنّات فی احوال العلماء والسادات، ج 1، ص 42 . احمد بن موسی و محمد عابد در شیراز مدفونند و برادر دیگرشان حضرت حمزه (علیه السلام) در شهر ری تهران، و این سه از يك مادر هستند.



### 3. احمد بن موسی (علیهما السلام) و بیعت مردم با وی

علامه مجلسی نوشته اند: چون خبر شهادت حضرت موسی کاظم (علیه السلام) امام هفتم شیعیان در مدینه شایع شد، مردم به در خانه ی اُمّ احمد، مادر حضرت شاه چراغ احمد بن موسی (علیهما السلام) گرد آمده و حضرت ایشان را با خود به مسجد بردند، زیرا از جلالت و قدر و شخصیت بارز و اطلاع بر عبادات و طاعات و نشر شرایع و احکام و ظهور کرامات و بروز خوارق عادات که در آن جناب سراغ داشتند، گمان کردند که پس از وفات پدرش امام موسی بن جعفر (علیه السلام) ؛ امام بحق و خلیفه ی آن حضرت فرزندش احمد است.

به همین جهت در امر امامت با حضرتش بیعت کردند و او نیز از مردم مدینه بیعت بگرفت، سپس بر منبر بالا رفت، خطبه ای در کمال فصاحت و بلاغت انشاء و قرائت فرمود، آنگاه تمامی حاضرین را مخاطب ساخته و

خواست غائبین را نیز آگاه سازند و فرمود: همچنان که اکنون تمامی شما در بیعت من هستید، من خود در بیعت برادرم علی بن موسی (علیه السلام) می باشم، بدانید بعد از پدرم، برادرم «علی» امام و خلیفه ی بحق و ولیّ خداست. و از جانب خدا و رسول او بر من و شما فرض و واجب است که امر آن بزرگوار را اطاعت کنیم و به هرچه امر فرماید، گردن نهیم، پس از آن شمه ای از فضایل و جلالت قدر برادرش علی (علیه السلام) را بیان فرمود، تا آن جا که همه ی حاضران فرموده ی آن بزرگوار را مطیع و منقاد گردیدند، ابتدا او بیعت را از مردم برداشت، سپس گروه حاضران در خدمت احمد به در دولت سرای حضرت امام علی بن موسی (علیه السلام) آمده، همگی با آن جناب بر امامت و وصایت و جانشینی امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) بیعت نمودند. [\(1\)](#) و حضرت امام رضا (علیه السلام)

ص: 20

درباره ی برادرش احمد دعا کرد و فرمود: همچنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد. (1) لذا شهرستانی (متوفای 427ق) در ذیل مذهب اثنا عشریه؛ از اعتقاد گروهی از شیعیان به امامت احمد بن موسی (علیه السلام) نام می برد، وی معتقد است:

عده ای از شیعیان بعد از امامت امام کاظم (علیه السلام) به امامت احمد بن موسی قائل شدند و امامت برادرش علی بن موسی (علیه السلام) را نپذیرفتند.

او می نویسد: بدان گروهی از شیعیان به امامت احمد بن موسی بن جعفر (علیه السلام) قائل شدند و امامت برادرش علی بن موسی را نپذیرفتند و آن عده که به امامت علی بن موسی معتقد شدند، در امامت محمد بن علی (علیه السلام) بعد از وفات پدرش شک کردند و گفتند که او به سبب

ص: 21

کمی سن، شایسته امامت نیست و باراه امامت، آشنایی ندارند. (1) اشعری نیز از امامت احمد بن موسی (علیه السلام) سخن می گوید که گروهی از شیعیان، به امامت او معتقد شدند و گفتند که موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از خود، امامت را به احمد واگذار نموده و در مورد او از جانب امام کاظم (علیه السلام) نصی وجود دارد. (2)

#### 4. قیام احمد بن موسی (علیهما السلام)

قدیمی ترین گزارش در مورد قیام احمد را، کشی ذکر می کند، وی شرکت احمد را در قیام محمد بن ابراهیم طباطبا تأیید می کند، ولی به جزئیات و چگونگی شرکت احمد در این قیام اشاره ای ندارد.

ص: 22

---

1- همان، ص 199.

2- . مقالات الاسلامیین، ص 30.

از گزارش او فقط این نکته به دست می آید که احمد در این قیام شرکت نموده است.

شاید از این که دیگر منابع معتبر تاریخی از قیام احمد یاد نکرده اند، این باشد که احمد در قیام محمد بنابراهیم، برخلاف دیگر فرزندان امام کاظم (علیه السلام) مسئولیت خاصی نداشته است.

همچنین سلطان الواعظین شیرازی می گوید:

وقتی مأمون امام رضا (علیه السلام) را به طوس آورد، بین او و برادرهایش و سایر نزدیکان جدایی افتاد. شوق زیارت آنحضرت، برادرانش را تحریک نمود که نامه ای به امام رضا (علیه السلام) و مأمون بنویسند و از آنها کسب اجازه کنند تا برای دیدار امام رضا (علیه السلام) عازم طوس شوند.

وقتی نامه به دست مأمون رسید، از این کار استقبال نمود و اجازه داد. در پی اجازه مأمون، احمد بن موسی (علیه السلام) و دیگر برادران مثل محمد عابد و سید علاء

ص: 23

الدین حسین و جمع زیادی از برادرزادگان و سایر علویان، از حجاز به سمت طوس حرکت کردند.

مسیر طوس غالباً در آن زمان از راه کویت، بصره، اهواز، بوشهر و شیراز بود؛ لذا در بین راه، تعداد زیاد یاز شیعیان به آنها ملحق شدند و کاروان بزرگی را تشکیل دادند.

عاملان مأمون، حرکت این کاروان بزرگ را به او گزارش دادند، که جمعیتی در حدود پانزده هزار نفر،<sup>(1)</sup> از بستگان امام رضا (علیه السلام) و سایر علویان و شیعیان، به سمت طوس در حرکت هستند، مأمون از حرکت این

ص: 24

---

1- . علی اکبر تشید، تعداد همراهان احمد بن موسی را دوازده هزار نفر ذکر می‌کند. (قیام سادات علوی، ص 169). جعفر مرتضی کاروان احمد بن موسی را متشکل از سه تا شش هزار میدانند. (زندگانی سیاسی هشتمین امام، ص 214). و ملک الکتاب شیرازی می‌گوید: احمد بن موسی با هفتصد تن، از مدینه عازم ایران گشت و در شیراز، با قتلغ خان حاکم شیراز درگیر شد. (ریاض الانساب، ص 145).

جمعیت انبوه، خوف ناک شد و فوراً دستور داد تا آنها را متوقف کنند و به هر کجا که رسیده اند به آنها بگویند به طرف مدینه برگردند. قتلغ خان که عامل مأمون بود، در شیراز مانع حرکت کاروان احمد بن موسی (علیه السلام) شد و بین آنها جنگ روی داد و احمد بن موسی (علیه السلام) و تعداد زیادی از یارانش در آن جا به شهادت رسیدند. [\(1\)](#)

بحرالعلوم نیز می گوید:

زمانی که قتلغ خان عامل مأمون، از حرکت کاروان احمد بن موسی (علیه السلام) خبر یافت، برای جلوگیری از حرکت آنها به سوی مرکز خلافت مأمون (مرو)، به طرف آنها حرکت نمود و در خارج شیراز، در مکانی به نام خان زینان که هشت فرسخ از شیراز فاصله داشت، با هم ملاقات نمودند و جنگ میان آنها رخ داد.

ص: 25

---

1- شب های پیشاور، ص 117.

مردی از سپاه قتلغ خان فریاد کشید که اگر منظور شما دیدار با علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است، او وفات یافته، لذا همراهان احمد بن موسی (علیه السلام) از شنیدن این خبر متفرق شدند و کسی جز برادران و اقارب نزدیک او باقی نماند.

احمد بن موسی (علیه السلام) که راه برگشت نمی دید، به طرف شیراز حرکت نمود، مخالفان به تعقیب وی پرداختند تا او را در شیراز به شهادت رسانیدند. (1)

### 5. پیدا شدن جسد احمد بن موسی (علیهما السلام)

درباره پیدایش قبر احمد بن موسی (علیهما السلام) در شیراز، دو داستان نقل شده :

یکی به قرن چهارم، زمان عضدالدوله دیلمی (372-338 ق) مربوط می شود. و دیگری به قرن هفتم،

ص: 26



زمان امیر مقرب الدین مسعود بن بدر (623 - 658 ق) وزیر اتابک ابوبکر زنگی باز می گردد.

فاصله داستان اول در قرن چهارم با داستان دوم، حدود سیصد سال است و در منابع معتبر قدیمی مثل شدالازار جنید شیرازی و حتی در منابع معتبر متأخر نیز این داستان دیده نمی شود. (1)

اما داستان دوم که پیدایش مزار احمد بن موسی (علیه السلام) را در زمان امیر مقرب الدین بیان می کند؛ در منابع معتبر هم عصر خودش مثل شدالازار ذکر شده و همین طور در منابع متأخر مثل تحفه العالم و بحار الانوار دیده می شود.

ص: 27

---

1- این داستان را فقط علی اکبر تشید در کتاب قیام سادات علوی، محمد حسین رستگار در کتاب جلوه گاه نور و مجد الاشرف در کتاب آثار الاحمدیه ذکر نموده اند. (جلوه گاه نور، ص 24؛ آثار الاحمدیه، ص 2؛ قیام سادات علوی، ص 169). آن ها اصل داستان را از ریاض الانساب گرفته اند که غیر از این کتاب، در هیچ منبع معتبر دیگری نیامده است.

تا زمان عضدالدوله، کسی از مدفن احمد بن موسی (علیهما السلام) اطلاع نداشت و مکان حاضر، تلّ گلی بیشتر نبود که در اطراف آن خانه های متعدد وجود داشت.

از جمله پیرزنی در پایین آن تل، خانه ای گلی داشت و در هر شب جمعه، ثلث آخر شب می دید، چراغی در نهایت روشنایی در بالای تل خاک می درخشد و تا طلوع صبح نورش به نظر می رسد.

چند شب جمعه مراقب بود و روشنایی چراغ به همین کیفیت ادامه داشت، با خود اندیشید، شاید این مکان قبر یکی از امام زادگان یا اولیای خدا باشد و بهتر است که امیر عضدالدوله را بر این وضع آگاه نماید.

هنگام روز به همین قصد به سرای عضدالدوله دیلمی رفت و کیفیت آن چه را دیده بود، به عرض رسانید،

ص: 28

امیر و حاضران از بیانش در تعجب شدند، درباریان که چنین موضوعی را خلاف می دانستند، هرکدام با سلیقه خود چیزی بیان کردند ...  
عضدالدوله گفت: نباید چنین باشد که شما میگویید. سخنان این زن در دل من اثری نیکو باقی گذاشت؛ زیرا می گوید که این چراغ، فقط در شب های جمعه، آن هم در ثلث آخر شب دیده می شود، نه همه شب ها و نه تمام شب جمعه.

با توجه به این موضوع، بایستی دقت بیشتری داشت؛ باشد که سرّی از اسرار مکشوف گردد.

به هر حال قرار شد که اولین شب جمعه آینده، شخصاً درون خانه پیرزن به مهمانی رود و خود چراغ را مشاهده کند. چون شب جمعه فرا رسید، شاه به خانه پیرزن آمد. چون ثلث آخر شب شد، چشمش را متوجه سمتی نمود که چراغ را به او نشان می داد، وی آشکارا

نور چراغ را دید و در شگفتی عجیب بماند. حیران و متفکر به سرای خویش بازگشت و با خود گفت: این آثار و علائم چگونه و از کجا می تواند باشد و آیا آنچه را دیده ام، خواب بوده است یا بیداری؟ در همین تحیر و تفکر، به خواب رفت. در عالم رؤیا سیدی بزرگوار و جلیل القدر را زیارت کرد که به او فرمود: ای امیر از چه در خیالی؟

در این محل، مدفن من است و من احمد بن موسی الکاظم هستم و برای اطمینان خاطر خود، کسی را در همین محل نزد ما بفرست تا انگشتری به جهت تو بفرستم.

و چون عضدالدوله چنین بدید و بشنید، شادمان از خواب بیدار گردید.

هنگام صبح کسی را فرستاد تا علما و معبران را حاضر کنند و آن چه را در بیداری درباره چراغ و در خواب به

ص: 30

نشانی های امام زاده دیده بود، به آنها اظهار داشت و نظر علما را پرسید. آنها متفقاً گفتند: به فرض این که این موضوع مدفن امام زاده باشد، نبش قبر نتوانیم کرد که فعلی حرام است.

متحیر ماندند چه بکنند و تکلیف چیست؟

کسی به امیر گفت: در نزدیک کوه قبله شیراز، پیر بزرگواری است که او را عقیف الدین خوانند. سال هاست از خلق کناره جُسته و در این کوه به عبادت اشتغال دارد و کسی را به حضور نمی پذیرد؛ چنانچه این موضوع غریب پیش آمده، به وی عرضه بدارند، شاید که پذیرفته و پرده از این سر بردارد. حاضران در مجلس، این پیشنهاد را پذیرفتند و گفتند: هر که را امیر صلاح بداند به سراغ عقیف الدین بفرستیم.

اما از آن جا که امیر عضدالدوله فطرتی پاک داشت گفت: چنین کسی را صلاح نیست به مجلس احضار

ص: 31

کنیم. از آن جا که ما با او کار داریم، شایسته چنین است که به خدمتش رفته، مشکل خویش را به او عرضه داریم و راه چاره بجوییم.

سپس با بعضی از خواص علما به حضور آن پیر روشن ضمیر باریافتند و داستان تل گل و چراغ خانه و خانه پیرزن و آنچه را که امیر شخصاً در بیداری و خواب دیده بود، به عرض رسانیدند.

او در پاسخ گفت: این خواب از رؤیاهای صادقه است و خود من نیز شب گذشته همین خواب را دیده بودم و چون خود آن حضرت اشاره و اجازه فرموده اند، از نظر هتک احترام و حرمت، نبش قبر بدون اشکال به نظر می رسد.

امیر به کاخ خود مراجعت نمود، در حالی که بسیار خوشحال بود و از آن موفقیت مسرتی تام داشت.

ص: 32

روز بعد بر سر آن تلِ گلی حاضر شد و امر کرد آن جا را شکافته، خاک برداری کردند تا به لوح مزاری که از سنگ یشم بود رسیدند، امیر و علما و روحانیون لوح را دیدند که دو سطر به خط کوفی روی آن نوشته شده بود: السیّد میراحمد بن موسی الکاظم.

و چون نقش لوح با آن چه امیر در خواب دیده بود موافق می آمد، مسرت بیشتر دست داد و یقین حاصل شد که مدفن امام زاده همان جاست و این توفیق نصیب دولت عضدالدوله گردیده است.

چون سنگ را حرکت دادند، سردابی عمیق و چاه مانند، نمودار گردید. در این هنگام امیر کسی را به دنبال پیر عقیف الدین فرستاده، پیغام داد: حال وقت آمدن شماست که به حضور مبارک حضرت مشرف گردید.

عقیف الدین غسل کرد و جامه های پاک پوشیده و خود را معطر ساخت، سپس به سرداب وارد گردید. چون چند قدمی برداشت، چنان نوری عظیم ظاهر گردید که سراسر آن سرداب بزرگ را روشن ساخت.

او تختی را دید که در میان سرداب گذاشته و آن حضرت بر بالای تخت بر پشت خوابیده و بر روی مبارکش قطیفه سفید کشیده شده است. همین که عقیف الدین به نزدیک تخت رسید، حضرت دست راست خود را که انگشتری در آن دیده می شد، از قطیفه خارج ساخت و به طرف او دراز کرد.

پیر نزدیک تخت آمده، دست و پای حضرت را بوسه داد و انگشتر از انگشت مبارک آن حضرت خارج ساخت و از همان راه که آمده بود، مراجعت نمود.

چون از سرداب بیرون آمد، عضدالدوله به استقبال شتافت و عقیف الدین را بسیار گرمی داشت و از



کیفیت پرسش نمود. وی نیز تمام آن چه را که دیده بود به اطلاع امیر رسانید و چون نقش انگشتر را خواندند منقوش بود: میراحمد بن موسی الکاظم.

چون این موهبت در دولت عضدالدوله مسلم گردید، به شکرانه چنین موهبتی عظیم، مقرر داشت چندین شبانه روز اطعام فقرا و مساکین به عمل آید؛ زندانیان را نیز آزاد ساختند و با کوبیدن نقاره سلطنتی و آژین بندی و چراغانی شهر، دستور سرور و نشاط عمومی دادند و چون خواست انگشتر را در دست نماید، شیخ عقیف الدین او را منع نموده، نسبت به مقام امام زاده سوء ادب دانست و گفت: بهتر آن است که انگشتر در خزانه، جزء ذخایر سلطنتی نگاه داشته، و در روزها و مواقع مخصوص بدان تبرک نمایی که موجب دوام دولت تو خواهد بود.

ص: 35

عضدالدوله این پیشنهاد را پذیرفت و مقرر داشت انگشتر را در حقه ای مرصع نهاده، محفوظ بدارند.

مدت ها به همین منوال از انگشتر مبارک محافظت به عمل می آمد و در مراسم اعیاد و ایام مبارک، برای میمنت به آن تبرک می جستند و غزوات و جنگ ها به واسطه همین انگشتر، پیروزی را نصیب او و لشکریان می کرد.

روزی به سببی که ضرورت داشت، به طلب انگشتر فرستاد، هر قدر جستند نیافتند و ندانستند چه شده که پیدا نیست.

عضدالدوله از فرط دل تنگی و پریشانی که بر او مستولی شده بود، به خاطرش رسید که پایان دولتش فرارسیده و یا این که خازن، انگشتر را پنهان داشته است.

از شدت خشم و دل تنگی نمی دانست چه کند. لذا امر به قتل خزانه دار و متصدیان مسئول امر کرد. خزانه دار

ص: 36

که خود را بی تقصیر می دید، ناچار به روضه مطهره صاحب اصلی انگشتر یعنی حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) پناه برد و با حالت راز و نیاز، چاره مشکل خود را که به قیمت جانش می بود، استدعا نمود.

از طرف دیگر، چون امیر از کیفیت اوضاع و احوال خازن و دیگر متصدیان آگاه گردید، خود نیز به گوشه ای رفته و چاره این مهم را می جست و چون هنگام خواب فرارسید، برای مرتبه ای دیگر، سیمای جان بخش حضرت را در خواب دید که به وی فرمود: ای امیر انگشتر نزد ماست، خازن خود را عتاب نکن که بی تقصیر است.

انقراض دولت تو تا این زمان بسیار باقی است و از این جهت غم بر خود راه مده. به جای این انگشتر، شیخ عقیف الدین را بفرست تا جایی که سبب مفاخرت تو باشد، خواهیم فرستاد. و چون ملاقات حاصل گردید،

ص: 37

آن چه از گم شدن انگشتر و عتاب به خازن و خواب خویش پیش آمده بود، همه را با تفصیل به استحضار شیخ رسانید.

آوردن تاج را بر حسب امر شریف مستدعی گشت و چون امیر و شیخ و چند تن از خواص بر سر تربت مطهر حاضر آمدند و موضع را حفر نموده، در سرداب را گشودند، چنان بوی عطر و مشک آشکار گردید که مشام همه حاضران را معطر ساخت.

سپس شیخ عقیق الدین که قبلاً غسل نموده و جامه عوض کرده و مهیای شرف یابی بود، به روضه مطهر داخل گردید؛ باغی دید که از هر طرف، اشجار و انهار جاری بر قرار است. همه جا سیرکنان می رفت تا به میان آن روضه رسید؛ صفه ای مشاهده کرد که از چهار طرف آن نهرهای آب، جاری و روان بود و تختی بر بالای آن صفه با صفا زده شده و شخصی با لباس های بسیار فاخر

ص: 38

در بالای تخت برپا نشسته و سر بر زانو نهاده و تاجی مکمل به جواهر گوناگون به سر داشت و تاج دیگر از پشم در مقابل گذارده بود، پیر چون به پای تخت رسید به طور الهام به باطن وی وارد شد که تاج یشمی را گرفته، مراجعت نماید. شیخ عقیف الدین با کمال خضوع و تواضع بر بالای تخت رفته، بنده وار خود را به قدوم مبارک انداخت و پس از بوسیدن پاهای مبارک، تاج را برداشته، بیرون آمد. و چون چشم عضدالدوله بر تاج مرحمتی افتاد، از فرط مسرت و نشاطی که بر وی دست داده بود، اشک شوق و شمع می ریخت و تاج را با احترام تمام گرفت خواست که بر سر بگذارد، شیخ عقیف مانع گردید و فرمود: دستور دهید دو تاج به همین ترکیب بسازند و قدری از پشم های این تاج را در پشم های آن تاج ها جای دهند، یکی را پادشاه اسلام پناه بر سر گذارند و یکی را فقیر، و اصل تاج را به میمنت و

مبارکی نگاه دارند تا در دودمان با افتخار باقی بماند و سبب بقای این دولت در ذریت تو و بقای نام نیک تو باد.

امیر قبول نموده، چنان کرد که شیخ فرمود، افتخار شروع بنای روضه مطهره حضرت امام زاده احمد بن موسی الکاظم (علیه السلام) نصیب عضدالدوله فرزند حسن ملقب به رکن الدوله آمد و چون بقعه متبرکه به اتمام رسید، دستور داد همین تفصیل و جریان پیدایش مقبره مطهره را با آثار و علایم مذکور، بر لوحه سنگی منقوش کنند و بر درب روضه مطهره آن حضرت نصب نمایند و تا مدت زمانی آن سنگ باقی و برقرار بود و چون به واسطه گذشت ایام، بعضی از خطوط و نقوش آن ریخته و زایل می گشت، در زمان یکی از متولیان، تمام علمای شیراز جمع شدند و سوادى از آن سنگ برداشتند و

ص: 40

1- لازم به ذکر است که در این داستان که می‌گوید: پیدایش مرقد احمد بن موسی در دوران حکومت شیعه آل بویه روی داده و عضدالدوله در سال 338 قمری بر آن مقبره و بارگاه ساخته، در منابع قدیم، در این باره سخنی به میان نیامده است. حتی در کتاب تجارب الامم ابن مسکویه، که از منابع اصلی دوران آل بویه به شمار می‌رود و در سال 421 قمری نگاشته شده و خود مسکویه وزیر خاندان آل بویه بوده است. و وقایع سال های 369 - 395 ق را گزارش نموده، هیچ گونه اشاره ای به شاه چراغ نکرده است. هم چنین اصطخری نویسنده مسالک و ممالک (تألیف 340 قمری) که خود در دوران آل بویه در فارس زندگی می‌کرد، در کتاب خود علاوه بر نکات جغرافیایی، به برخی از حوادث تاریخی نیز اشاره دارد، ولی در این مورد، هیچ سخنی نگفته است. ابن بلخی در فارس نامه (تألیف 450 قمری)، ابوالقاسم جنید شیرازی در شدالازار (تألیف 744 ق) و ابن بطوطه در سفرنامه (725 قمری) که در توصیف حرم احمد بن موسی (علیه السلام) و یا شرح حال او مطلب نگاشته اند، هیچ نامی از شاه چراغ نمی‌برند و یا از اقدام عضدالدوله در عمارت مرقد احمد بن موسی (علیه السلام) سخن نمی‌گویند. (زندگانی و قیام احمد بن موسی، ص 77).

این داستان را بسیاری از منابع نقل نموده اند.<sup>(1)</sup> از جمله ابن بطوطه در این باره می نویسد:

از جمله مزارات شیراز، مقبره احمد بن موسی است. این بقعه در نظر شیرازیان احترام تمام دارد و مردم برای تبرک و توسل، به زیارت آن می روند. تاشی خاتون مادر سلطان ابواسحاق، مدرسه بزرگی و زاویه ای برای این مزار ساخته که در آن برای مسافین طعام داده میشود و دسته ای از قاریان، همواره بر سر تربت قرآن می خوانند. خاتون شبهای دوشنبه را به زیارت آن بقعه می آید و در آن شب،

ص: 42

---

1- رك: حمدالله مستوفی (نزهة القلوب، ص 172)؛ سیّد مهدی قزوینی (فلک النجاه، ص 337)؛ مامقانی (تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 1، ص 97)؛ فرصه الدوله شیرازی (آثار عجم، ص 445)؛ زرکوب شیرازی (شیرازنامه، ص 59)؛ جنید شیرازی از علمای قرن هفتم هجری (شدالازار، ص 289)؛ بحرالعلوم (تحفه العالم، ج 2، ص 28).



و سلطان الواعظین شیرازی، آشکار شدن مدفن احمد بن موسی را چنین شرح می دهد:

تا اوایل قرن هفتم هجری که سلطنت فارس به وجود ذی جود اتابک ابوبکر بن مسعود و مظفرالدین قرار گرفت که پادشاهی بود بسیار صالح و درست و شش دوره سلطنت خود، به زهاد و عباد و علما و فضلا، تعظیم بسیار می نمود و در ترویج شریعت مطهره اسلامیة سعی بلیغ داشت، رجال مملکت فارس همگی مردمانی پاک و متظاهر به شعائر اسلام بودند؛ از جمله وزرا و مقربان دربار اتابک مظفرالدین امیر مقرب الدین مسعود بن بدرالدین بوده که میل بسیار به عمران و آبادی داشت.

ص: 43

فلذا امر کرد که آن تل را که وسط شهر شیراز را به صورت تپه‌ای در آورده بود، بردارند و در آن محل، عمارت بزرگی برپا کنند. عمله جات بسیاری به کار افتادند، خاک‌ها و زباله‌ها را به خارج شهر می‌بردند. روزی در اثنای کار، دیدند جسدِ تر و تازه‌ی مقتولی بدون تغییر و تبدیل، با فرق شکافته زیبا و وجیه روی زمین زیر آوار قرار گرفته.

خبر به وزارت خانه رسید. حسب الامر وزیر اعظم، جمعی به تفتیش قضیه آمدند. پس از تفتیشات بسیار، فقط اثری که در بدن آن مقتول جوان دیدند که معرّف او شد، حلقه انگشتری بود که بر خاتمش نقش بود:

العزة لله احمد بن موسى.

با سابقه تاریخی و شهرت کامل جنگ هاشمی در آن مکان و شهادت احمد بن موسی، فهمیدند آن جسد شریف جناب سیّد امیر احمد بن موسی الکاظم (علیه السلام) امام

ص: 44

زاده واجب التعظیم شهید است که تقریباً بعد از چهارصد سال با این طریق صحیح و سالم، ظاهر و اسباب هدایت بینندگان و باعث استبصار جمعی از مخالفین گردید.

حسب الامر اتابک و وزیراعظم، در همان محل که جسد ظاهر گردید، بقعه عالی برپا کردند و قبری حفر نمودند، با احترام بسیار در حضور علما و بزرگان، جسد شریف را به خاک سپردند و بر احترام بقعه افزودند و پیوسته مورد احترام عموم بود. (1)

و رحمت الله مهراز، داستان را این گونه نقل می کند: احمد بن موسی و سید علاء الدین حسین، مخفیانه به شیراز آمدند و هریک در خانه ای پنهان شدند. پس از چندی جاسوسان حکومت، از محل اختفای احمد بن موسی آگاهی یافتند و برای دستگیری اش به محاصره خانه برخاستند. حضرت در حالی که زره پوشیده بود،

ص: 45

می جنگید. عمال حکومت دیوار خانه همسایه را سوراخ کرده، از پشت ضربتی بر سرش وارد آوردند و خانه را بر سرش خراب نمودند. از آن هنگام از روی عناد، آن خرابه را به جای گاه زباله تبدیل نمودند. در زمان اتابک ابوبکر سعد زنگی، دستور داده شد زباله ها را از وسط شهر به خارج منتقل نمایند و در آن محل عمارتی بسازند. در این حال به جسد احمد بن موسی برخوردند و از روی کتیه انگشتر او که نوشته بود: العزة لله احمد بن موسی، پس از چهارصدسال جسدش را یافتند و جریان را به عرض اتابک رساندند و او دستور داد بر مدفنش بارگاهی بسازند. انجام این کار بر عهده امیرمقرب الدین مسعود بن بدر وزیر اتابک قرار گرفت. (1)

ص: 46

---

1- بزرگان شیراز، ص 478.

## 6. تاریخ بنای حرم احمد بن موسی (علیهما السلام)

بر اساس فهرست نامه ی آثار تاریخی ایران، اسکلت بنای امامزاده احمد بن موسی (شاه چراغ شیراز) به زمان اتابک ابوبکر سعد بن زنگی (628 - 658هـ.) تعلق دارد. (1)

مشهور است که در زمان امیر مقرب الدین مسعود، بدرالدین وزیر اتابک ابوبکر، چهارطاق و گنبدی بر فراز بقعه آن حضرت ساخته است. پس از آن اتابک ابوبکر خود رواقی بر آن آستانه افزود.

در زمان ملکه ی معظمه تاشی خاتون مادر شاه ابواسحاق اینجو (745-746ق)، گنبد بقعه تعمیرات اساسی شد و در جنوب آن و متصل به بقعه، مدرسه ای عالی به دستور او بنا گردید که بعدها این بانو مدفن خود را همسایه ی بقعه بنا کرد. (2)

ص: 47

---

1- معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ص 115.

2- راهنمای آثار تاریخی شیراز، ص 81.

بقعه ی شریف امامزاده، بار دیگر در سال 912ق، توسط مرحوم حبیب الله شریفی متولی آستانه ی شاه چراغ به موجب وقف نامه ی موجود، در آن سال، تعمیر اساسی و مفصلی گردید.

ولی در سال 997ق بر اثر زلزله ی شدیدی نیمی از گنبد و بنای بقعه خراب شد، اما از محل درآمد موقوفات، خرابی ها تعمیر و بقعه مجدداً تجدید بنا گردید. (1)

گویند: نادر شاه قبل از فتح شیراز و شکست دادن افغان ها نذر کرده بود که در صورت موفقیت، تعمیراتی در شاه چراغ انجام دهد. پس از دفع شرّ افغان ها و شکست فاحشی که در حوالی زرقان شیراز بر آنها وارد شد، نادر یک هزار و پانصد تومان پول رایج آن زمان را برای تعمیر بقعه و مقدار 720 مثقال زر ناب برای ساختن قندیلی در بالای سر امام زاده هدیه کرد، که این قندیل

ص: 48

---

1- شیراز، ص 337.

تا سال 1139ق در بقعه باقی بود، ولی در آن سال زلزله ی شدیدی در شیراز رخ داد و قسمتی از بقعه ویران گردید، قنديل مذکور فروخته و صرف تعمیرات ضروری بقعه گردید، تا اینکه نادر برای بار دوم در سال 1146ق بهشیراز آمد و پس از زیارت بقعه ی متبرک احمد بن موسی (علیه السلام) و صرف ناهار در شاه چراغ که از طرف مرحوم میرزا محمد حسین شریفی متولی آستانه ترتیب داده شده بود، مبلغ دوپست تومان پول رایج روز جهت تعمیرات بقعه حواله کرد.(1)

در قرن سیزدهم هجری نیز چند بار بقعه ی مبارکه خراب و مجدداً تعمیر و مرمت شد، و فتحعلی شاه قاجار در 1243ق ضریحی نقره ای وقف آن کرد.(2)

ص: 49

---

1- همان، ص 338.

2- . اقلیم پارس، ص 64.

بنای کنونی بقعه مشتمل بر ایوان اصلی در مشرق و حرم وسیع و شاه نشین هایی از چهار جانب و مسجدی در جانب غربی حرم و اطاق ها و مقبره های متعدد متصل به بقعه است. (1)

درون بنای بقعه با قطعات آینه ای ریز و نگین در قرون گذشته به وسیله ی استادان متبحر آینه کاری شده که این آینه کاری ظریف و زیبا، خود یکی از شاهکارهای هنری قرن گذشته ی هنرمندان شیراز است. (2)

بقعه احمد بن موسی دارای دو درب می باشد؛ درب نقره پوش ورودی از سمت ایوان اصلی که به درب ظلّ السلطان معروف بود که توسط سلطان مسعود میرزا به بقعه اهدا شده بود. (3) بر این درب اشعاری که مشتمل بر

ص: 50

---

1- . همان.

2- . شیراز، ص 332.

3- . همان، ص 341.



ماده تاریخ اهدای درب بقعه توسط مرحوم وقار بن وصال سروده شده بود، نقش گردیده است. (1)

این درب بعدها در زمستان 1345 ش، به درب نقره پوش و طلاکاری و میناکاری شده ی فعلی که کارهنرمندان اصفهان می باشد، تبدیل گردید، و درب نقره پوش ظل السلطانی به موزه ی آستانه منتقل و در آنجا به وضع مطلوبی نگاهداری می شود. (2)

درب دیگر بقعه را مرحوم حاجی نصیرالملک میرزا حسنعلی خان به بقعه اهدا کرد.

همچنین دو مناره ی کوتاه در دو انتهای ایوان زینت بخش بقعه امامزاده می باشد. (3)

ص: 51

---

1- . آثار عجم، ص 446.

2- . شیراز، ص 341.

3- . همان.

دیوارهای خارجی بقعه نیز با کاشی‌های جلادار قرن نوزدهم میلادی سیزدهم هجری، پوشیده شده است. (1)

میرزا فرصت شیرازی می‌نویسد: در سمت جنوبی صحن امامزاده، مقابل درب بزرگ، یک ساعت بسیار ممتاز که زنگ آن فزون تر از چهل من است بر فراز عمارتی برپاست که آن را شاهزاده سابق الذکر سلطان مسعود میرزا وقف کرده و بدان مکان نصب شده، در زیر صفحه‌ی ساعت چند شعر، مرحوم وقار به تاریخ بنای آن ساعت سروده که بر سنگی نقش شده و زیر ساعت نصب گردیده است. (2)

## 7. تولیت آستان مقدس احمد بن موسی (علیهما السلام)

نوشته اند: تولیت این امام زاده والاتبّار در دوره‌ی قاجار به عهده عارف کامل و مرشد فاضل فخرالسالکین

ص: 52

---

1- . معماری اسلامی ایران، ص 115.

2- . آثار عجم، ص 447.

جناب میرزا جلال الدین محمد حسینی ملقب به مجدالاشراف بود و اداره و تنظیم کارهای بقعه ی شریف به کف با کفایت برادر کهنتر والاگهرش جناب میرزا محمدرضا نایب التولیه ی ... آستانه بوده است ... و خدام آستانه ی متبرکه جماعتی از معمرین بودند که داعی حق را لبیک گفته و رخ در این خاکدان نهفتند.

اکنون باز ماندگان ایشان به خدمت خود مشغولند، خصوصاً جناب میرزا هدایت بن میرزا احمد که به حُسن کفایت میمند(فارس) را نیابت دارد و اخذ مالیات می نماید و تا وجه آن صرف مرمت و مخارج آستانه آن حضرت (علیه السلام) شود. (1)

پس از انقلاب با تأیید و موافقت اداره ی کل اوقاف زیر نظر هیأت امنای برنامه ی وسیعی از لحاظ تهیه کتابخانه و موزه و مرمرکاری، سنگ فرش کف حرم و ایوان،

ص: 53

تعویض ضریح و در نقره پوش ورودی، معرق کاری ایوان، تعمیر مسجد زنانه و ساختمان گلدسته ها و سردرب ورودی، احداث یک سالن بزرگ جهت برگزاری مراسم سوگواری و جشن ها و مجالس وعظ و خطابه و همچنین توسعه ی صحن تا مسجد جامع عتیق و یکی شدن دو صحن مطهر شاه چراغ و سید میر محمد، خرید خانه های حریم صحن و غیره طرح شده که بعضی از آنها تا کنون جامه عمل پوشیده و بقیه در دست اقدام است. (1)

### 8. فرزندان احمد بن موسی (علیهما السلام)

بعضی ها گویند جناب سید میر احمد اولاد ذکور نداشته، فقط دارای یک دختر عقیقه صالحه بوده، چنانچه

ص: 54

---

1- شیراز، ص 341.

در عمده الطالب ثبت شده است و برخي گویند اولاد ذکور داشته است. (1)

ص: 55

---

1- . شب های پیشاور، ج 1، ص 128.



## زندگی نامه سید امیر محمد عابد (علیه السلام)

حضرت سید امیر محمد عابد (علیه السلام) فرزند بلافضل امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) و برادر اعیانی (پدر و مادری) احمد بن موسی (علیهما السلام) بوده است که بسیار با فضل و تقوی، و از کثرت عبادت معروف به عابد گردیده، در تمام عمر قائم اللیل و صائم النهار بوده و به ندرت ایامی را افطار می نموده و عشق بسیاری به کتابت کلام الله مجید داشته و از حق الکتابه کلام الله، بندگان بسیار خریداری و آزاد نمودند.

شیخ مفید (رحمه الله علیه) از کنیز رقیه دختر حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) نقل می کنند که گفت: محمد بن موسی (علیهما السلام) همیشه با وضو بود، اکثر اوقات را به نماز می گذارید، ساعت های شب او به تجدید وضو و خواندن نماز به پایان می رسید، زیرا دائماً صدای آن آب وضویی که به صورت خود می ریخت شنیده می شد.

ص: 57

یک مقدار از شب را به نماز مشغول می گردید، آنگاه لحظه ای می خوابید و تمدد اعصاب می نمود (دراز می کشید) دوباره بر می خواست وضو می گرفت، صدای آب وضو او شنیده می شد مشغول نماز می گردید، دائماً کار او همین بود تا صبح می شد، هیچ موقعی نبود که من محمّد بن موسی (علیه السلام) را بینم و به یاد این آیه شریفه نیایم «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ»<sup>(1)</sup>.

قبر شریف سید محمّد در شیراز زیارتگاه با برکتی است که بزرگان و خوبان و مردمان نیکوکار در آنجا می روند و برای روا شدن حوائج نذر و نیاز هائی می کنند.<sup>(2)</sup>

ص: 58

---

1- .سوره ذاریات، آیه 17.

2- این امام زاده بزرگوار را با همان زیارت نامه ای که برای برادرش شاهچراغ از علامه مجلسی (رحمه الله علیه) نقل شده، می توان زیارت نمود.



## زندگی نامه سید علاء الدین حسین (علیه السلام)

سید علاء الدین حسین (علیه السلام) فرزند دیگر حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) که با برادر بزرگوارش به شیراز آمدند در گوشه ای پنهان و شب و روز به عبادت مشغول، در آن نزدیکی قتلغ خان باغی وسیع داشت روزی حضرت در گوشه آن باغ تفرّج می نموده که آن حضرت را شناختند همان جا شهیدش نمودند در حالی که قرآن در دست مبارکش بوده زیر خاک پنهان گردید.

سال ها گذشت قتلغ مُرد و آن باغ خراب شد اثری از آن سید بزرگوار ظاهر نبود، تا در زمان صفویه در این باغ خرابه ساختمان می ساختند، جسد خون آلود جوان مقتولی، تر و تازه از زیر خاک نمایان شد، گوئی او را تازه کشته اند، در حالی که یک دست قرآن مجید و دست دیگرش شمشیر، صحیح و سالم با علامت و قرآنی که در دست داشتند، فهمیدند بدن مبارک جناب

سید علاءالدین حسین فرزند شهید موسی بن جعفر (علیهم السلام) است در آن باغ، او را دفن نمودند و قتلغ خان،<sup>(1)</sup> بر قبر او بقعه ای ساخت.

بعد از مدّت ها میرزا علی مدنی از مدینه به زیارت امام زادگان معظّم آمد، چون صاحب ثروت بسیار بود، بنائی عالی بر قبر آن بزرگوار گذارد، املاک و باغات بسیاری خرید و بر آن بقعه مبارکه وقف نمود و بعد از فوت، خودش را هم در همان آستانه مقدّسه دفن نمودند و در زمان شاه اسماعیل مرمت زیبایی بر آن قبر شد که تا الآن مزار عموم اهالی فارس و مورد توجه آنها

ص: 60

---

1- . قتلغ در ترکی بمعنی بزرگ است در زمان های گذشته به بعض حُکّام بزرگان از جناب سلاطین لقب قتلغ داده می شد، چنانچه بعد از غلبه چنگیزیان در ایران (اوکتای) لقب قتلغ خان را به اتابک اعظم مظفرالدین ابوبکر بن سعد زنگی که با آنها مخالفت ننموده بود، داده. پس این قتلغ خان که بقعه ای بر قبر جناب سیدعلاءالدین ساخت، غیر از آن قتلغ است که از جانب مأمون والی فارس و با امام زادگان جنگید.

می باشد.

بعضی ها گویند این سید بزرگوار عقیق و بلانسل بوده است و بعضی گویند صاحب نسل بوده، ولی بعداً منقرض گردیده. (1)

ص: 61

---

1- . شب های پیشاور، ج 1، ص 133. این امام زاده بزرگوار را با همان زیارت نامه‌ای که برای برادرش شاه چراغ از علامه مجلسی (رحمه الله علیه) نقل شد، می توان زیارت نمود.



چون قصد کردی زیارت کنی، یکی از فرزندان ائمه (علیهم السلام) را، پس بایست و بگو: (1)

### زیارت اول

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ السَّلَامُ عَلٰی جَدِّكَ الْمُصْطَفٰی السَّلَامُ عَلٰی اَبِیْكَ الْمُرْتَضٰی الرَّضَا السَّلَامُ عَلٰی السَّیِّدِ بْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ  
عَلٰی خَدِیجَةَ اُمِّ سَدِّیْدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ. السَّلَامُ عَلٰی فَاطِمَةَ اُمِّ الْاَیْمَةِ الطَّاهِرِیْنَ. السَّلَامُ عَلٰی النَّفْسِ الْفَاخِرَةِ وَ بُحُورِ الْعُلُومِ الرَّاْخِرَةِ وَ شَفَعَانِی  
فِی الْاٰخِرَةِ وَ اَوْلِیائی عِنْدَ عَوْدِ الرُّوْحِ اِلٰی الْعِظَامِ النَّاْخِرَةِ

اَیْمَةَ الْخَلْقِ وَ وِلَاةِ الْحَقِّ. السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِیْفِ الطَّاهِرُ

ص: 63

---

1- علامه مجلسی (رحمه الله علیه) در بحار الانوار، ج 102، ص 272. به نقل از مصباح الزائر ابن طاووس، ص 502. (باید توجه داشت که ابن طاووس (رحمه الله علیه) در کتاب مذکور جهت زیارت امامزادگان دو نوع زیارت نامه نقل کرده که هر دو را در این جا ذکر می نمائیم).

الكَرِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ مُصْطَفَاهُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ مُجْتَبَاهُ وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ نَعْلَمُ ذَلِكَ  
عِلْمَ الْيَقِينِ وَ نَحْنُ لِدَالِكَ مُعْتَقِدُونَ وَ فِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ.

به نام خداوند بخشنده مهربان، سلام و تحیت بر جدّ بزرگوارت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم)، سلام بر پدر بزرگوارت علی مرتضی (علیه السلام) که صاحب مقام کامل رضا است. سلام بر دو سیّد (جوانان بهشت) حضرت حسن و حسین (علیهما السلام) سلام بر حضرت خدیجه کبری مادر گرامی فاطمه زهرا سیده زنان عالم، سلام بر حضرت فاطمه مادر ائمه طاهرین (علیهم السلام)، سلام بر نفوس با فخر و شرافت که دریای معراج علوم الهی اند و شفیعان من در عالم آخرتند و یاران و دوستان من. بازگشت روح به استخوانهای پوسیده مردگان و پیشوایان خالق و صاحب امر خلافت از جانب

حق. سلام بر تو ای شخص با شرافت پاک گوهر بزرگوار کریم، گواهی می دهم که خدائی جز خدای یکتانست و بدرستی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بنده و رسول و برگزیده اوست از تمام عالم، و گواهی دهم که علی مرتضی (علیه السلام) ولی خدا و برگزیده اوست و گواهی دهم که مقام امامت (در امت پیامبر) منحصر در فرزندان اوست تا روز قیامت، این علم یقینی من است و ما بر این عقیده هستیم و در یاری آنها کمال جهد و کوشش داریم.

## زیارت دوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا السَّیِّدُ الزَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالدَّاعِی الْحَفِیُّ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ صِدْقًا وَدَعَوْتَ اِلٰی مَوْلَایْ وَ مَوْلَاكَ عَلَانِیَّةً وَ سِرًّا فَارَ مُتَّبِعُكَ وَ نَجِی مُصَدِّقُكَ وَ خَابَ وَ خَسِرَ رَمُكُذِّبُكَ وَ الْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ اِشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لَا كُوْنَ مِنْ الْفَاۓِزِیْنَ بِمَعْرِفَتِكَ

ص: 65

وَطَاعَتِكَ وَتَصَدِيقِكَ وَاتِّبَاعِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَمَرِ مِنْهُ وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ أَتَيْتَكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ  
مُسْتَوْدِعًا وَهَا أَنَا ذَا اسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَآمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْأَسَادَاتِ الْأَعْظَمِ أَحْمَدُ  
بْنُ مُوسَى الْكَاطِمِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام بر تو ای سید پاک و مطهر، ولی و دعوت کننده گواهی می دهم که حق را گفته ای و راستگو بوده ای و به سوی مولایم و مولایت  
آشکارا و نهان دعوت کرده ای. پیروز گشت هر کس تو را پیروی کرد و نجات یافت هر کس تو را تایید کرد، نا امید شد و زیان دید آن که تو  
را دروغگو دانست و آنکه از تو روی گرداند. شاهد گواهی من باش تا از برندگان معرفت و طاعت، و پیروان و تصدیق کنندگان تو باشم.  
سلام بر تو ای سرور

ص: 66



و فرزند سرور من، تو دری هستی که خداوند از آن می دهد و می ستاید. به زیارت تو آمدم تا نیازها، دین و امانت، امنیت و عاقبت کارهایم تا انتهای اجلم را از تو طلب و استدعا کنم. سلام بر تو ای سرور سروران بزرگوار احمد بن موسی کاظم رحمت و برکت خداوند بر تو باد.

ص: 67



## زیارت مختصر امام رضا (علیه السلام)

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

کسی که فرزندم امام رضا (علیه السلام) را زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و معترف به حق او باشد، در نزد خدای عزوجل مانند شهداء بدر می باشد.

اَللّٰهُمَّ عَلَيَّ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ اَللّٰهُمَّ عَلَيَّ يَا حُجْبَةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجْبَتِهِ اَللّٰهُمَّ عَلَيَّ يَا اِمَامَ الْهُدٰى وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقٰى وَرَحْمَةَ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ  
اَشْهَدُ اَنَّكَ مَصْدَقٌ عَلٰى مَا مَضٰى عَلَيْهِ اَبَاؤُكَ الطّٰهَرُونَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ لَمْ تُؤْثِرْ عَمِيَّ عَلٰى هُدٰىيْ وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّىْ اِلٰى بَاطِلٍ وَاَنَّكَ  
نَصَّحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُوْلِهِ وَاَدَيْتَ الْاَمَانَةَ فَجَزَاكَ اللّٰهُ عَنِ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ اَتَيْتَكَ يَا اَبِيَّ وَاُمِّى زَانِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا  
لِاَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِيْ عِنْدَ رَبِّكَ .

سپس ضریح را ببوس و در بالا سر بگو:

ص: 69

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشَدُّ هَدًى أَنْتَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوَلَايَتِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و به نزد پای آنحضرت می روی و میگوئی :

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ .

سلام بر تو ای ولیّ (و نماینده) خدا و فرزند ولیّ خدا سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او سلام بر تو ای پیشوای هدایت و رشته محکم حق، و رحمت خدا و برکاتش نیز بر تو باد، گواهی دهم که توبه همان راهی رفتی که پدران پاکت بدان راه رفتند، درودهای خدا بر ایشان باد، اختیار نکردی (گمراهی) را بر هدایت و

ص: 70

متمایل نگشتی از حق بسوی باطل و تو برستی خیرخواهی کردی برای خدا و پیامبرش و پرداختی امانت را، پس خداوند پاداشت دهد از دین اسلام و مسلمانان به بهترین پاداش، آمده ام پدرم و مادرم به فدایت به درگاه تو برای زیارت با معرفت به حق تو و دوست دارم دوستانت را و دشمنم با دشمنانت، پس شفاعت کن از من در نزد پروردگارت.

سلام بر تو ای مولا و سرور من ای فرزند رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، گواهی دهم که تویی امام راهنما و سرپرست با رشد و هدایت، بیزاری جویم بدرگاه خداوند از دشمنانت و تقرب جویم بدرگاه خدا بوسیله دوستی تو، درود خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد.

درود و رحمت خدا بر تو ای ابالحسن، رحمت خدا بر روح و جسم تو، صبر و مقاومت نمودی در حالی که تو

راستگو تصدیق شده ای، خدا بکشد کسانی که تو را با دست و زبان کشتند.

درود خدا بر توای ابالحسن، درود خدا بر روح و پیکرت شکیبایی نمودی، تویی راستگوی تصدیق شده، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست ها و زبان هایشان کشتند.

سپس دو رکعت نماز بخوان که در رکعت اول بعد از حمد، سوره یس؛ و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره الرحمن و پس از نماز با خشوع بر پدر و مادر و برادران و اقربا و ملتمسین دعا کن و نزد قبر این صلوات را بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا المَرْتَضَى الامامِ التَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصَّادِقِ الشَّهِيدِ صَلَوَةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ؛ خدایا رحمت فرست بر علی بن موسی الرضا، امام با تقوا

و

ص: 72

پاک و حجت تو بر هر که روی زمین است و هر که زیر خاک، رحمت بسیار و تمام با برکت و پیوسته و پیاپی و دنبال هم، مانند بهترین رحمتی که بر یکی از اولیائت فرستادی.

ص: 73





زیارت آل یس، از زیارات بسیار مهم و پر ارجی است، که از ناحیه مقدسه حضرت بقیه الله فی الارضین سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است. حمیری می گوید: (1)

خرج توقيع من الناحية المقدسة - حرسها الله تعالى - بعد المسائل: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، لَا لِأَمْرِ اللّٰهِ تَعَقُّلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِیَائِهِ تَقْبَلُونَ  
(«حِكْمَةٌ بِالْعَمَّةِ، فَمَا تُغْنِ التُّدْرِ. (2) عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ. (3)

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ، إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللّٰهِ وَإِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى: سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ یسٍ... (4) توقيعی از ناحیه مقدسه صادر شد،

ص: 75

---

1- . بحار الانوار، ج 53، ص 171، ح 5 و ج 102، ص 81، ح 1.

2- . سوره قمر، آیه 5.

3- . سوره یونس، آیه 101.

4- . سوره صافات، آیه 130.

بعد از جواب مسائل، این گونه بود: به نام خداوند بخشنده مهربان، نه امر خداوند را می فهمید و نه از اولیاء او می پذیرید، (حکمتی است رسا، پس بی نیاز نکنند ترسانندگان انبیاء و اوصیاء قومی را، که ایمان نمی آورند).

سلام بر ماوربندگان شایسته خداوند، هنگامی که خواستید به وسیله ما بسوی خداوند متعال و ما روی آورید.

پس بگویند همانگونه که خداوند متعال فرمود:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ السَّلَامِ - مُعَلِّيكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّائِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ

ص: 76

وَوَكَّدَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصَّ بُوْبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرَ  
مَكَذُوبِ السَّلَامِ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي  
اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ لِسَلَامٍ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أُشْهِدُكَ  
يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأُشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ  
الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ

حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَشَدَّ هُدًى أَنْتُمْ اللَّهُ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَكْرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَكْرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَتَقْسَى مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَيَرْسُولِهِ وَبِأَمِيرِ

الْمُؤْمِنِينَ وَيَكُفِّرُ بَدَنَهُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلِيَّكُمْ وَآخِرِكُمْ وَنُصَّرَتِي مُعَدَّةً لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ آمِينَ آمِينَ. سلام بر آل یاسین سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و تربیت شده آیات الهی سلام بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دین او سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده اش سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او سلام بر تو در تمام آنات ودقایق شب و سرتاسر روز سلام بر تو ای بجای مانده از طرف خدا در روی زمین سلام بر تو ای پیمان محکم خدا که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد سلام بر تو ای وعده خدا که تضمینش کرده سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش ریزان و فریادرس خلق، و رحمت وسیع حق، و آن وعده ای که دروغ نشود سلام بر تو هنگامی که پیا می ایستی سلام بر تو هنگامی که می نشینی سلام بر تو هنگامی که (فرامین حق را) می

خوانی و تفسیر می کنی سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت کنی سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده بجای آوری سلام بر تو هنگامی که ((لا اله الا الله)) و ((الله اکبر)) گوئی سلام بر تو هنگامی که خدا را ستایش کنی و از او آمرزش خواهی سلام بر تو هنگامی که بامداد کنی و شام کنی سلام بر تو در شب هنگامی که تاریخش فرا گیرد و در روز هنگامی که پرده برگردد سلام بر تو ای امام امین سلام بر تو ای مقدم بر همه خلق و مورد آرزوی آنان سلام بر توبه همه سلام ها گواه گیرم تو را ای مولا- و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و نیز گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است و محبوبی نیست جز او و خاندانش و گواه گیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خداست و حسن حجت اوست و حسین حجت اوست و علی بن الحسین

حجت اوست و محمد بن علی حجت اوست و جعفر بن محمد حجت اوست و موسی بن جعفر حجت اوست و علی بن موسی حجت اوست و محمد بن علی حجت اوست و علی بن محمد حجت اوست و حسن بن علی حجت اوست و گواهی دهم که تو حجت خدائی، شمائید اول و آخر و مسلماً بازگشت شما حق است که شکی در آن نیست، در روزی که سود ندهد کسی را ایمانش که پیش از آن روز ایمان نیاورده یا در مدت ایمان خویش کار خیری انجام نداده و همانا مرگ حق است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است و گواهی دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شده حق است و صراط حق است و مرصاد (کمپنگاه) حق است و میزان حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است و وعده و تهدید درباره آن دو حق است ای

مولای من بدبخت است کسی که مخالفت شما را کرد و سعادت‌مند است کسی که پیرویتان کرد پس گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست توام و بیزارم از دشمنت حق آنست که شما پسند کردید و باطل همانست که شما بدان خشم کردید و معروف و کار نیک همان بود که شما بدان دستور دادید و منکر و کار زشت همان بود که شما از آن جلوگیری و نهی کردید من ایمان دارم به خدای یگانه ای که شریک ندارد و به رسول او و به امیر مؤمنان و به شما ای مولای من از اول تا آخرتان و یاریم برای شما آماده است و دوستیم خالص و پاک برای شما است. مستجاب فرما، مستجاب فرما.

ص: 82



هرگاه قصد زیارت امام حسین و حضرت علی اکبر و سایر شهدای کربلا (علیهم السلام) را نمودی، این چنین بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ  
مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّهِ  
السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ  
خَدِجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُؤْتُونَ أَشَدُّ هَدًى أَنْتَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ  
الْمُنْكَرِ

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّىٰ آتَيْكَ الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَنَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَنَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَجَعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتُ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ  
اللَّهِ إِنَّهُ هَدَىٰ أَنْتَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْدَلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُجَسِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ  
أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ النَّعِيِّ الرَّضِيِّ الرَّكِيِّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَنَّ الْأَنْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى  
وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحَجَّةُ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَنَّ هُدَى اللَّهِ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ وَرُسُلَهُ أَتَىٰ بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَأْيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَايِعِ دِينِي  
وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَدْ بَيَّ لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَامِكُمْ وَعَلَىٰ  
شَاهِدِكُمْ وَعَلَىٰ غَائِبِكُمْ وَعَلَىٰ ظَاهِرِكُمْ وَعَلَىٰ بَاطِنِكُمْ ؛ سَلَامٌ بِر

توای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر توای وارث نوح پیغمبر خدا سلام بر توای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر توای وارث موسی هم سخن با خدا سلام بر توای وارث عیسی روح خدا سلام بر توای وارث محمد حبیب خدا سلام بر توای وارث امیر مؤمنان علیه السلام سلام بر توای فرزند محمد مصطفی سلام بر توای فرزند علی مرتضی سلام بر توای فرزند فاطمه زهرا سلام بر توای فرزند خدیجه کبری سلام بر توای کسی که خونخواهی تو به دست خداست و فرزند کسی که خونخواهی او به دست خداست و ای تک و تنها مانده ای که انتقام خونت گرفته نشده گواهی دهم که تو بیاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت) و پیروی کردی از خدا و رسولش تا به شهادت رسیدی پس خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت

کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که این جریان را شنیدند و بدان راضی شدند ای مولای من ای ابا عبدالله گواهی دهم که تو برستی نوری بودی در صلب های شامخ (و بلند) و رَحْمَهای پاک، آلوده ات نکرد زمان جاهلیت به پلیدیهایش و نپوشاندت از جامه های آلوده و چرکش و گواهی دهم که برستی تو از جمله ستونهای دین و پایه های محکم مردان با ایمانی و گواهی دهم که برستی تو پیشوائی هستی نیکوکار و با تقوی و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته و گواهی دهم که امامان از فرزندان تو که اساس (و حقیقت) تقوی و نشانه های هدایت و دستاویز محکم (حق) و حجت هائی بر مردم دنیا هستند و گواه گیرم خدا و فرشتگانش و پیمبرانش و رسولانش را که من برستی به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم طبق مقررات دین و مذهبم و پایان کردارم و دلم تسلیم دل

شما است و کارم پیرو کار شما است درودهای خدا بر شما و بر روانهایتان و بر جسد هاتان و بر پیکرتان و بر حاضران و بر غائبان و بر آشکارتان و بر نهاتان.

سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان و قصد زیارت حضرت علی اکبر (علیه السلام) کرده و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ [وَ] ابْنِ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام بر تو ای شهید سلام بر تو ای ستم رسیده و فرزند (آن امام) ستمدیده خدا لعنت کند

ص: 87

مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی را که از این جریان اطلاع پیدا کرده و بدان راضی شدند. سپس سایر شُهدا (علیهم السلام) را زیارت کن: السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا أَوْلِیَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا اصْدِیْقَاءَ اللَّهِ وَأَوْلَادَهُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا انصَارَ دینِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا انصَارَ رَسولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا انصَارَ امیرِ الْمُؤْمِنِینَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا انصَارَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا انصَارَ اَبی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ الْوَلِیِّ النَّصِیحِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا انصَارَ اَبی عَبْدِ اللَّهِ بِأَبی اَنْتُمْ وَاُمِّی طِبْنُكُمْ وَطَابَتِ الْاَرْضُ [اَنْتُمْ] الَّتِی فِیْهَا دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظِیماً فِیَا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ. سلام بر شما ای اولیاء خدا و دوستانش سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستدارانش سلام بر شما ای یاوران دین خدا سلام بر شما ای یاران رسول خدا سلام بر شما

ای یاران امیر مؤمنان سلام بر شما ای یاران فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای یاران حضرت ابا محمد حسن بن علی آن دوست  
خیرخواه سلام بر شما ای یاران حضرت اباعبدالله پدر و مادرم به فدای شما براستی پاکیزه شدید و پاکیزه گشت آن زمینی که شما در آن  
مدفون شدید و به رستگاری بزرگی رسیدید، پس ای کاش من هم با شما بودم که با شما رستگار می شدم.

ص: 89





## زیارت امین الله

علامه مجلسی (رحمه الله علیه) می فرماید: این زیارت از بهترین زیارات است از جهت متن و سند، و باید که در جمیع روضات مقدّسه بر آن مواظبت نمایند. (1)

وکیفیت آن چنان است که روایت شده از جابر از امام باقر (علیه السلام) که امام سجّاد (علیه السلام) به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و نزد قبر آنحضرت ایستاد و گریست و گفت :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ)، أَشَدُّ هَدًى أَنْتَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَالزُّمَّ أَعْدَاءُكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً

ص: 91

---

1- بحارالانوار، ج 100، ص 264؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 306.

بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُجِيبَةً لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَانِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ [شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ] مُسْتَتِيقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَانِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ .

و با پهلوبه قبرگداشتن، بگو: اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْمَةَ وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَ أَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَ أَفْرِدَةٌ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةٌ وَ أَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَ دَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَ عَبْرَةً مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَ الْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ [مَبْدُولَةٌ] وَ الْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ

[مَوْجُودَةٌ] وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةٌ وَزَلَّلَ مِنْ أَسْمِ تَقَالِكَ مُقَالَةً وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِدْلَةً وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوقَّرَةً وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ [لَدَيْكَ] مُتَرَعَّةً اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ تَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَ مُنْتَهَى مُنَايَ وَ غَايَةُ رَجَائِي فِي مُتَقَلِّبِي وَ مُتَوَايَ. وَدِرَادَامِهِ بَكُو: أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَ كُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَ ائْتِنَا مِنْ عِلْمِهِمْ عَنَّا أَذَانًا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سلام بر تو ای امین خدا بر روی

زمینش، و حجّت او بر بندگانش، سلام بر تو ای امیر مؤمنان {اگر این زیارت برای امام دیگر خوانده شود السلام عليك یا امیر المؤمنین گفته نمی شود} شهادت می دهم که تو در راه خدا آن چنان که باید جهاد کردی، و به کتابش عمل نمودی، و روشهای پیامبرش (درود خدا بر او خاندانش) را پیروی کردی، تا خدا تو را به جوارش خواند، و با اختیاراتش تو را به جانب خود قبض روح نمود، و دشمنانت را ملزم به حجّت کرد، با آنچه تو راست از حجتهای رسا بر همه مخلوقاتش. خدایا قرار ده نفسم را آرام در برابر تقدیرت، خشنود به قضاوتت، حریص به ذکر و دعایت، عاشق به برگزیده دوستانت، محبوب در زمین و آسمانت، شکیبیا بر نزول بلایت، سپاسگذار بر فزونی نعمتهایت، یادکننده کامل عطاهایت، مشتاق به شادی دیدارت، توشه برگیرنده تقوا برای روز پاداشت، پیرو روشهای اولیایت، جداکننده از

اخلاق دشمنانت، غافل از دنیا به سپاس و ثنایت. خدایا دل‌های فروتنان، سرگردان به سوی توست، و راه‌های مشتاقان به درگاہت نمایان است، و نشانه‌های قاصدان کویت پیداست، و دل‌های عارفان از تو هراسان است، و صدای خوانندگان به جانب تو بلند است، و در‌های اجابت به رویشان گشوده، و دعای آنکه با تو مناجات کرد مستجاب است، و توبه کسی که به سوی تو بازگشت پذیرفته است، و اشک کسی که از ترس تو گریه کرد مورد رحم است، و فریاد کسی برای کسی که از تو فریاد خواست آماده است، و کمک برای کسی که از تو کمک خواست رایگان است، و وعده‌هایت برای بندگان وفا شده، و لغزش آن که از تو پوزش خواست نادیده گرفته شده، و اعمال عمل‌کنندگان نزد تو محفوظ است، و روزی‌هایت از جانب تو به سوی مخلوقات فرود آیند و بهره‌های فزون به سویشان پیوسته است، و گناهان

آمزش جویان آمرزیده است، و حاجات خلق نزد تو برآورده است، و جایزه های خواستاران، پیش تو کامل گشته است، و عایدات افزون پیاپی است، و سفره های خواهندگان طعام آماده، و حوض های تشنگان لبریز است. خدایا دعایم را مستجاب کن، و ستایشم را بپذیر، و بین من و اولیایم جمع کن، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، تو ولی نعمت و نهایت آرزو و هدف امید منی در بازگشتگاه و محلّ اقامتم. تو معبود و آقا و مولای منی، دوستانمان را بیامرز، دشمنانمان را از ما بازدار، و از آزار ما غافلشان گردان، و کلمه حق را نمایان و آن را برتر کن، و کلمه باطل را بلغزان و آن را پست تر قرارده، تو بر هر چیز توانایی.

ص: 96

1. ابن بطوطه، سفرنامه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا.
2. اشعری، ابی الحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق، عبدالحمید، قاهره، مکتبه النهضه المصریه، طبع اول، 1369ق.
3. اقلیم پارس، سید محمد تقی مصطفوی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، 1343ش.
4. جامع الانساب، سید محمد علی روضاتی، اصفهان، چاپخانه ی جاوید، 1376ق/1335ش.
5. جزایری، سید نعمت الله، الانوار النعمانیه، تبریز، شرکت چاپ، بی تا.

6. حسینی القزوینی، محمد بن حسن، المدعوبمهدی، فلک النجاه، بی نا، چاپ 1297 ش.

7. حسینی، جعفر مرتضی، زندگانی سیاسی هشتمین امام حضرت علی بن موسی الرضا، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران، دفتر نشر فرهنگ، چاپ هفتم، 1373.

8. راهنمای آثار تاریخی شیراز، بهمن کریمی، تهران، کتابخانه ی اقبال، 1344 ش.

9. رستگار، محمد حسین، بارگاه نور (شرح احوال و شخصیت احمد بن موسی شاه چراغ و حضرت سید میر محمد بن موسی)، شیراز، انتشارات آستان مقدس احمدی، 1377 ش.

10. زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین، احمد بن شهاب الدین ابی الخیر، شیرازنامه.

ص: 98



11. ستارگان فروزان در شرح حال عده‌ای از امامزادگان، علی تشکری، کاشان، چاپخانه ی ربّانی، 1348ش.
12. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، طبع هشتم، 1421ق.
13. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، موسسه نشر اسلامی، طبع دوم، 1410ق.
14. شوشتری، میرعبداللطیف خان، تحفه العالم و ذیل التحفه، به‌اهتمام صمد موحد، تهران، ناشرکتابخانه طهوری، چاپ گلشن، طبع اول، 1363ش.
15. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، 1413.
16. شیراز، علی سامی، شیراز، چاپخانه موسوی، 1347.

17. شیرازی، عیسی بن جنید، تذکره هزار مزار، شیراز، کتابخانه احمدی، 1364 ش.

18. شیرازی، فرصت الدوله، آثارعجم، انتشارات بامداد، بی جا، 1362 ش.

19. شیرازی، معین الدین ابوالقاسم جنید، شدالازار فی خط الاوزار عن زار و المزار، تصحیح محمد قزوینی، تهران، چاپخانه مجلس، تهران، 1328 ش.

20. عرفان منش، جلیل، زندگانی و قیام احمد بن موسی، شیراز، دانش نامه فارسی، 1377 ش.

21. فارسنامه ی ناصری، میرزا حسن شیرازی مشهور به فسایی، تهران، چاپ دارالخلافة، چاپ سنگی، گفتار دوم، بی تا.

22. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات مسجد.

ص: 100

23. کنزالانساب معروف به بحرالانساب، سید مرتضی ملقب به علم الهدی، به سعی و اهتمام میرزا محمد ملک الکتاب، تحریر و چاپ به وسیله سید علی شیرازی، بیستم شهر ربیع الثانی، 1316هـ-.

24. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، بی تا، بی جا.

25. مجدالاشرف، جلال الدین محمد، آثار الاحمدیه، شیراز، کتابخانه احمدی، 1326ق.

26. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دارالتعارف، 1423ق.

27. مستوفی، حمدلله، نزهة القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی قزوین، حدیث امروز، چاپ اول، 1381ش.

ص: 101

28. معماری اسلامی ایران، در «دوره‌ی ایلخانان»، رونالد، ن. ویلبر، ترجمه‌ی عبدالله فریار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1349 ش.
29. مهراز، رحمت‌الله، بزرگان شیراز (تحقیقی درباره‌ی زاهدان، عرفا، دانشمندان، مؤلفان، شعرا، پادشاهان و وزرا) سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، 1348 ش.
30. موسوی، فخرالدین، تاریخ علوی در عصر آل بویه و صفویه، قم، نشر محدث، 1386 ش.
31. میرخواند بلخی، محمد، روضه‌الصفاء، تلخیص زریاب، تهران، اعلمی، چاپ دوم، 1375 ش.
32. نوبختی، حسن بن موسی، فرق‌الشیعه، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

